

# راه ظهور

(رسول اکرم (ص):

اگر فدا یک نفر را به دست تو هدایت کند برای تو از دنیا و آنچه در دنیاست بهتر است .

راه ظهور دریچه ایست بسوی آشنایی با انقلاب اسلامی ایران  
ادیان آسمانی ، فرقه های نوظهور ، علوم اسلامی و ...

لزوم آشنایی با

فرهنگ مهدویت

شماره ۱ - و انتظار

سامانه پیامک ۱۰۰۰۱۰۳۱۳۰۰۳۱۳

Rahezoor.blog.ir - rahiyanezoor.blog.ir

آنکس که مسأله‌هایش را نمی‌شناسد ، و یا اگر می‌شناسد ، آنها را نمی‌تواند دسته‌بندی و اولویت‌بندی کند - حتماً - شکست خواهد خورد! ... اما، آنکه مسأله خودش را - مسأله اساسی و حیاتی خودش را - به خوبی شناخته است؛ به واقع ، در راه نوآوری و «مهندسی مجددِ زندگی» ، گام نهاده است. «**خلاقیت**» ، دوباره دیدن است ؛ و «**نوآوری**» ، دست دادن با آینده ایست که **آمدنی است** ...

ما را که منتظران آن امام همام می خوانند باید نشانه هایی از آن امام داشته باشیم. باید شعار انتظارمان به جانمان بزند و یارمان باشد. باید طوری عمل کنیم که بتوانیم در آن روز بزرگ در مقابل آن امام جلیل القدر و والا منزلت سرمان را بالا بگیریم. باید **معرفت به امام عصر (عج)** پیدا کنیم و امام شناسی مان ارتقا پیدا کند؛ برای مایی که امام را نمی شناسیم و از جایگاه او مطلع نیستیم و خیر نداریم که این جهان طفیلی وجود امام است چه فرق میکند که ایشان با ۳۱۳ نفر می آیند یا با یک تن. اینها که معرفت امام نیست. اینها که انسان را به بلوغ و رشد نمی رساند. آیا بهتر نیست به جای بسیاری از کارها که تاکنون انجام داده ایم که بعد این همه سال فایده ای خاص و دستاوردی نداشته دنبال اموری باشیم که برتر از آن است و معرفتی خاص ایجاد می کند. **اگر آدمی می خواهد دنیایش دنیای انسانی باشد و مراتب کمال را طی کند باید با حجت الله مرتبط باشد.**

"اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک"  
پروردگارا! خود را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی ، نمی توانم پیغمبرت را بشناسم.

"اللهم عرفنی نبيک فانک ان لم تعرفنی نبيک لم اعرف حجتک"  
پروردگارا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، نمی توانم حجت تو را بشناسم.

"اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی"  
پروردگارا! حجت خود را به من بشناسان ، که اگر حجت خود را به من نشناسانی ، دین خود را از دست میدهم ، و گمراه خواهم شد.

منتظران و رهپویان مهدویت ، تکثیر و اهدای رایگان  
راه ظهور مایه مباهات است. ادامه دارد ... انشاءالله

« التماس دعا »



**مهدویت** از واژه **مهدی** گرفته شده و معنای اصطلاحی آن ، اعتقاد به **حضرت**

**مهدی (عج)** است ، و باور به این که او فردی است از نسل پیامبر (ص) که در آخرالزمان ظهور میکند و جهان را پر از عدل و داد میسازد آنچنان که از ظلم و جور پر شده بود. این عقیده اختصاص به شیعه ندارد و همه فرقه های اسلامی ، در آن مشترک هستند، ریشه آن نیز در قرآن و احادیث است و چنین نیست که توسط عده ای خاص ، جعل و منتشر شده باشد. در قرآن ، آیات فراوانی درباره آن مهر سپهر افروز وجوددارد ، از جمله : سوره های انبیاء/۱۰۵ ؛ نور/۵۵ ؛ توبه/۳۳ ؛ قصص/۵... حجم انبوهی از روایات نیز به دست ما رسیده است که در آنها ، پیامبر خاتم (ص) از آن نور دیده اش سخن رانده است.

این روایات در همان زمان حیات پیامبر ، سینه به سینه نقل میشد و در گنجینه ذهن مسلمانان جای میگرفت ، اگر نگاهی به روایات نبوی بیفکنیم ، خواهیم دید که پرسش کنندگان از اوصاف ، ویژگیها و محاسن اخلاقی و کیفیت و علائم ظهور و سایر مسائل مربوط به آن موعود بشری می پرسیدند. این نکته ، بیانگر آن است که اصل وجود منجی بشر، امری مسلم و قطعی بوده است. تأکید ائمه اطهار نیز بر تقویت این باور می افزود تا بدانجا که هر دو مذهب تشیع و تسنن با همه انشعابهایشان ، بر آن اتفاق نظر پیدا کردند. شاهد بر این مسأله ، پدیده مدعیان دروغین مهدویت است؛ شیادانی که از باور اصیل مردم ، سوء استفاده کرده و خود را مهدی موعود معرفی میکردند ، اما از آنجا که صفات و ویژگیهای مهدی حقیقی در روایات رسول اکرم (ص) و جانشینان گرامیش بیان شده بود، اغلب مردم به کذب ادعای آنان پی برده و از آنها بیزاری می جستند. از آن طرف ، برخی از افراد ساده دل یا منحرف ، تعدادی از معصومین (ع) یا افراد نامور را مهدی معرفی میکردند. (مثلاً عده ای ، زید بن علی - فرقه کیسانیه محمد حنفیه را - فرقه ناووسیه امام صادق (ع) را - و فرقه واقفیه امام کاظم (ع) را ) مهدی منتظر میدانستند ؛ در حالی که این بزرگواران ، هیچگاه چنان ادعایی نداشتند. همه این مطالب نشان دهنده رسوخ اصل "**مهدویت**" در عمق جان مسلمانان است ؛ اصلی که جامعه اسلامی را جامعه ای منتظر و پویا و امیدوار به آینده ای روشن ، نگاه داشته است. آینده ای که امیدواریم دور نباشد.

منابع جهت معرفی بیشتر:

۱- ابراهیم امینی، دادگستر جهان، انتشارات شفق، قم، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۱.

۲- حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

امام سجاد (ع): من ثبت علی موالاتنا فی غیبه قائمنا اعطاه الله عزوجل اجر الف شهید من شهداء بدر و احد؛ هر کس در زمان غیبت قائم ما، بر دوستی ما ثابت قدم بماند، خداوند ثواب هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او اعطا فرماید. لطف الله صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر، انتشارات مؤسسه حضرت معصومه - سلام الله علیها - ، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق، ص ۶۴۸

از خودمان بیرسیم که ما شیفته ی که هستیم؟! کدام هنرپیشه، کدام بازیکن، کدام پادشاه و کدام ... دلمان برده است؟! راستی چرا همه عاشقیم؟ اگر به فطرت خود سرکی بکشیم جواب این سوال را می یابیم. بله؛ فطرت ما کمال طلب است از همان ابتدا دنبال بهترینها بودیم و زیبایی و کمال را ستایش میکردیم و در مقابلش فروتن بودیم. (۱) اما فرق کمال حقیقی و مجازی در این است که حقیقتی با تو میماند و افزایش مییابد و مجازی می رود و میگذاردت. مثل کف دریا ابتدا شیفته میشوی و سپس میبینی محو شد! حقیقت وحدت دارد و باطل پراکنده و مشوش است مثل بیداری و خواب. (۲) ...

ادامه این بحث را در شماره بعد دنبال فرمایید...

\*\*\* پیابید کاری بکنیم ...

اگر، من و تو، همان کاری را بکنیم که همه میکنند ؛ قطعاً ، به همان نتیجه خواهیم رسید ، که همه میرسند. از راه کارهای تکراری و همیشگی ، هرگز ، نمی توان به دستاوردهای نو و غیر تکراری رسید :

حافظ شعر ایران ، حافظ قرآن میفرماید :

به یاد چشم تو ، خراب خواهیم ساخت بنای عهد قدیم ، استوار خواهیم کرد...

دُعای عهد قدیم ، فقط خواندنی نیست ؛ کار کردنی هم هست ، به کار بردنی هم هست . دعای عهد ، پیمان نامه ایست که حتماً به امضای دو طرف باید برسد ؛ وگرنه ، نه معنا دارد و نه موجودیت ! پیمان شکنی ، ریشه در نادانی و سست عهدی دارد. نمیشود ندانست ، و کاری نکرد ! آنکه نمیداند چه میکند ، در واقع ، دارد کاری نمیکند؛ و ای کاش، اصلاً کاری نمی کرد! پیامبر دل آگاه و دلسوزمان - حضرت ختمی مرتبت ، صلی الله علیه و آله - با دلشوریهی دلسوزانه می گفت: «آنکه ، نادانسته کاری میکند ؛ بجای آنکه کار را درست کند ، خراب تر - هم

- خواهد کرد» نهج الفصاحه /سخن شماره ۳۰۵۸

توبه و تغییر ، تنها راه ، برای کاری کردن است.

**انقلاب** ، دیگرگون سازی است - **انقلاب** ، دیگرگون شدن است - **انقلاب** ، دیگرگون کردن است. و «**خلاقیت**» یعنی اینکه شما کاری بکنید که تاکنون نمی کرده اید ؛ و در نتیجه ، به دستاوردی نایل شوید ، که تاکنون در دنیای تان نبوده است.

«**انتظار**» هم ، نوعی انقلاب است ... «**انتظار**» هم ، نوعی خلاقیت است ...

از «**خلاقیت انتظار**» ، می باید به طور «**خلاقانه**» بهره گرفت.

وگرنه ، همین انتظاری که میتوانست بهترین « فرصت » برای « زمین » و « زمان » باشد ، به صورت بدترین « تهدید » میتواند رخ نماید. و با « مدیریت تهدیدها » ، بهترین فرصتهای انسان و جهان را ، بیافرینیم. از هر فرصتی که به خوبی استفاده نکنیم - باور کنید که خودش به بدترین تهدید ، تبدیل خواهد شد. نمی شود کاری نکرد ، و به جایی رسید ؛ و شاید :

«**مسأله شناسی**» ، نخستین کاری باشد که باید کرد.

## فرهنگ مهدویت و انتظار چیست؟

جامعه‌ای که در انتظار حکومت مهدی (علیه السلام) است با جوامع دیگر تفاوت بسیاری دارد. در این جامعه ارزش‌های انتظار و ویژگی‌های عصر ظهور به فراوانی یافت می‌شود. حال اگر فضای حاکم بر جامعه، فضای فرهنگ انتظار نباشد، تربیت نسل نو و آشنا کردن آنها با فرهنگ انتظار در این فضا، بسیار مشکل خواهد بود.

### روشهای تربیت نسل منتظر

انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و کسانی که آشنایی کمتری با امام عصر، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند، کار بسیار سخت و در عین حال، باظرافتی است و کمترین کج‌سلیفگی در آن، باعث وازدگی از این فرهنگ خواهد شد. زیرا فرهنگ مهدویت، فرهنگ ارزشها و همان فرهنگ دین است و همان‌طور که انتقال ارزشهای دینی بدون ظرافتهای خاص خود، ممکن نیست، انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنها به عنوان نومنتظران ظهور حضرت (علیه السلام) نیز، بدون شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود.

بحث در این موضوع را با این سؤال آغاز می‌کنیم که فرهنگ مهدویت و انتظار چیست؟

و اهدافی که ما با انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو به دنبال تأمین آنها هستیم، کدامند؟

**فرهنگ مهدویت** قبل از اینکه به نجات و رستگاری بشر در آینده مربوط باشد، به زمان حال و الآن جامعه شیعه مربوط است. بدون شک، شیعه بودن یک فرد در زمان ما، در گرو اعتقاد و التزام به امامت امام زمان (علیه السلام) است زیرا در آموزه‌های شیعی آمده است که در هر عصری، امامی از طرف خداوند برای مردم تعیین شده و ایمان و اسلام فرد، جز به شناخت او و اقرار و التزام به امامتش، پذیرفته نخواهد بود. و بدون این امر، رهایی از پیامدهای مرگ، به سان مرگ در دوران جاهلیت، ممکن نیست.

پس باید به فرزندانمان پیام‌آموزیم «مهدی» کیست؟ و چه نقشی در زندگی ما دارد؟ فرزندانمان باید بدانند مهدی (علیه السلام) امامی است که خداوند برای بشریت تعیین کرده و سعادت اخروی آنها در گرو اعتقاد و التزام به امامت اوست. بنابراین:

– اولین هدفی که ما در انتقال فرهنگ مهدویت به دنبال تأمین آن هستیم، سعادت‌مند شدن فرزندانمان در آخرت است. زیرا سعادت اخروی نسل نو، با اعتقاد به امامت امامی که الآن در غیبت بوده و دسترسی به او برای ما ممکن نیست، گره خورده است.

– دومین هدفی که ما به دنبال تأمین آن هستیم، تربیت زمینه‌سازان ظهور است. بدون تردید ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرهون زمینه‌سازی و آمادگی عمومی مردم جهت پذیرش امر ظهور است. مردم معتقد به امام زمان (علیه السلام)، باید زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند و این امر، به شناساندن وضعیت مطلوب و ایده آل، به جهانیان ممکن خواهد بود.

مسئله دیگری که در انتقال فرهنگ مهدویت به کودکان اهمیت دارد، گره زدن این فرهنگ با **علائق کودکانه** است. مثلاً کودکان به عیدی گرفتن و قصه، علاقه زیادی دارند. در انتقال فرهنگ مهدویت میتوان از همین علاقه کودک استفاده کرده و این فرهنگ را در قالب قصه‌های جذاب کودکانه به او منتقل نمود و یا میتوان به مناسبت‌های مختلفی مثل روز نیمه شعبان یا روز به امامت رسیدن امام مهدی (علیه السلام)، به کودکان عیدی و هدیه داد و البته عیدی و هدیه‌ای که در این روز به کودک داده می‌شود، باید حداقل با هدایایی که کودک به مناسبت‌های دیگر دریافت میکند، هم‌سنگ و هم‌شان باشد.

و به عبارت دیگر باید کاری کرد که کودک به انتظار آمدن این روزها لحظه‌شماری کند. **گروه دوم، گروه نوجوانان و جوانان** هستند که میتوان با تهیه درسامه‌های مهدویت که متناسب با این سن و سال است و همچنین رمانهای جذاب با اقتباس از فرهنگ مهدویت، فیلم و کلیپ، سخنرانیهای اساتید، علماء و رهبری (توجه: دی وی دی های راه ظهور همین هدف را دنبال میکند) و مانند این امور، آنها را با فرهنگ مهدویت آشنا کرد. و عمده‌ترین چالش، در انتقال فرهنگ انتظار به این گروه، **ایجاد نیاز** در آنهاست. ما باید در برخورد با این گروه سنی، پرسشهایی را که تنها گفتمان مهدویت جوابگوی آنهاست، در ذهن آنها ایجاد کنیم و سپس از آنها بخواهیم جواب آنها را پیدا کنند و خود ما نیز در رسیدن به پاسخهای درست، آنها را یاری کنیم. گروه سوم، **فرهیختگان جامعه** هستند. این گروه به دلیل مطالعاتی که درباره آخرالزمان و آینده بشریت دارند، با چالشهایی در زمینه مهدویت مواجه هستند. در انتقال فرهنگ مهدویت به این گروه، کفایت این چالشها را برطرف کنیم و این مهم با نوشتن کتابها و مقالات علمی و مد نظر قراردادن سؤالاها و شبهات جدیدی که در عرصه مهدویت و آخرالزمان مطرح شده، حاصل میشود.

**سخن آخر: فرهنگ مهدویت و انتظار، فرهنگ ارزشها و فرهنگ دین است و القاء فرهنگ دینی به دیگران، محتاج ظرافتهای خاص خود است و افراط در القاء این فرهنگ، باعث دزدگی از آن میشود و همان‌طور که تفریط در القاء این فرهنگ، نکوهیده و ناپسند است، افراط در آن نیز مذموم و ناپسند است.**

جامعه مهدوی همان جامعه ایست که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند.

\*\*\* عاشق شو، اما عاشق لیلی لیلی‌ها

انسانها همیشه شیفتهی آدمهای دیگر میشوند. شیفتهی مقام، جمال، کمال، قدرت و ... و وقتی شیفته شدند خاضع میشوند و سپس به زیارتشان میروند و برای گوشه‌ی چشمی از طرف آنان دست و پا می‌شکنند و اگر از دستشان دادند، آثارشان را در موزه میگذارند و هر بار که دلشان تنگ میشود به آنها نگاه میکنند و لذت آنرا مرور مینمایند. چرا همه عاشقیم !!!

زیرا اگر جامعه بشری وضعیت مطلوب و حیات برتری را که در جامعه مهدوی به مردم وعده داده شده است، بشناسند، زودتر، از مکاتب دیگر مایوس شده و مشتاق تحقق جامعه آرمانی مهدوی می‌شوند.

بنابراین یکی دیگر از اهداف انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو، در واقع آشنا کردن آنها با **وضعیت ایده آل جامعه بشری**، به منظور شناخت جایگاه وضعیت موجود، و سپس شناساندن وضعیت ایده آل به جامعه جهانی توسط آنهاست. لذا یکی از اصلی‌ترین اهداف انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو، **شناساندن کاستیهای وضعیت** موجود به آنها و جلوگیری از رضایت به حال کنونی جامعه است. نسل نو بعد از شناخت کاستی‌های وضعیت موجود، تلاش میکند تا وضعیت ایده آل بشری را برای جهانیان تبیین نماید و تبیین وضعیت ایده آل برای جهانیان باعث پیدایش شوق و رغبت در آنها نسبت به تحقق چنین وضعیتی خواهد شد و **پیدایش این اشتیاق جهانی، یکی از مقدمات ظهور صاحب الزمان، مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.** در غیر این صورت امام مهدی (علیه السلام) می‌بایست بیشتر از نیمی از مردم جهان را سرکوب نماید. و چنین امری با هدف ظهور آن حضرت همخوانی ندارد.

**هدف دیگری که در انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو دنبال می‌شود، همسان‌سازی شخصیت آنها با ایده آل‌های جامعه آرمانیست.** نسل نو با شناخت شاخص‌های انسان عصر مهدوی، تلاش می‌کند خود را با این شاخص‌ها هماهنگ و با انسان‌های عصر ظهور همگون نماید و این، همان چیزی است که امروزه از آن به عنوان تربیت مدیر و نیروی انسانی یاد می‌شود. بدون شک یاران حضرت مهدی (علیه السلام) و مدیران حکومت آن حضرت، از بین همین منتظران ظهور خواهند بود، بنابراین لازم است نسل نو، هماهنگ با شاخص‌های انسان عصر مهدوی تربیت شود زیرا در غیر این صورت هرگز ظهوری رخ نخواهد داد.

با توجه به مطالب گذشته، پُر واضح است که یکی از ضروری‌ترین نیازهای نسل نو، **آشنا کردن آنها با فرهنگ مهدویت و انتظار است.** و یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای تأمین این هدف، **بسترسازی است.** همان‌طور که گیاه در بستر مناسب، جوانه زده و رشد میکند و پرورش آن، بدون فراهم نمودن آب و خاک و هوای مناسب ممکن نیست، پرورش نسل نو و تبدیل آنها به نومنتظران ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز بدون بذریابی در بستر مناسب و فضای سالم، ممکن نخواهد بود.

**بذر اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار، برای جوانه زدن در وجود آدمی، نیازمند بستر و فضایی مناسب است تا رشد و نمو نموده و در وجود آدمی ریشه دوانده و به درخت پرمیوه انتظار پویا تبدیل شود.** بنابراین نخستین کاری که در انتقال فرهنگ مهدویت باید انجام شود، **فضاسازی** است. در غیر این صورت امر تربیت با موفقیت کمتری همراه خواهد بود. مسلماً در امر تربیت، نمی‌توان برای یکایک افراد جامعه پرونده تربیتی تشکیل داد و بر فرض امکان چنین امری، تربیت آنها بدون فضای مناسب تربیتی ممکن نخواهد بود.

بنابراین باید فضایی که مناسب تربیت مهدوی است، ایجاد کنیم زیرا قرار گرفتن در فضایی خاص، باعث می‌شود تا افراد مطابق آن فضا حرکت کنند و اگر فضای تربیتی ما، فضای تربیت مهدوی نباشد، شناساندن فرهنگ انتظار به افراد در این فضا مانند شنا کردن در خلاف جریان آب است. و اما اینکه چگونه میتوان فضا را فضای تربیت مهدوی نمود، خود سؤال مهمی است، که پاسخ دادن به آن چندان آسان نیست. **فضاسازی تربیتی چند مرحله دارد. نخست باید در منزل فضای تربیت مهدوی حاکم باشد یعنی فرزندانمان باید پایبندی به ارزشهای انتظار را در خانه لمس کنند** در غیر این صورت، ارزشهای انتظار به درستی به او منتقل نخواهد شد. همانطور که فرهنگ مسواک زدن هنگام خواب بدون پایبندی والدین به این امر، به درستی به بچه منتقل نمی‌شود، فرهنگ انتظار نیز در وجود کودک بدون پایبندی والدین به لوازم این فرهنگ، شکوفا نخواهد شد.

مرحله دوم، **مرحله فضاهای آموزشی** و در نگاه کلان‌تر، فضای جامعه است. فضاهای آموزشی اعم از مراکز نگهداری کودکان و دبستانها و مدارس راهنمایی و دبیرستانها و حتی دانشگاهها باید عطر و بوی فرهنگ مهدویت داشته باشند تا هر کسی که در این فضاها قرار میگیرد، معطر به این عطر گردد. و اگر فضاهای آموزشی ما با فضای منزل هماهنگ نباشد، اثرات مثبت فضای منزل را نیز از بین خواهد برد. و مهمترین مسئله‌ای که در این مرحله قابل دقت و تأمل است، مسئله **لزوم هماهنگی نظام آموزشی با نظام ارزشی** است. متون آموزشی مراکز علمی، باید با فرهنگ مهدویت همخوانی داشته باشد. در غیر این صورت تربیت همسو با فرهنگ مهدویت، بسیار سخت و بلکه غیرممکن خواهد بود.

مرحله سوم، **فضای جامعه** است. جامعه‌ای که در انتظار حکومت مهدی (علیه السلام) است با جوامع دیگر تفاوت بسیاری دارد. در این جامعه ارزشهای انتظار و ویژگیهای عصر ظهور به فراوانی یافت می‌شود. حال اگر فضای حاکم بر جامعه، فضای فرهنگ انتظار نباشد، تربیت نسل نو و آشنا کردن آنها با فرهنگ انتظار در این فضا، بسیار مشکل خواهد بود. مسئله دیگری که در انتقال فرهنگ انتظار حائز اهمیت است، مسئله **توجه به مخاطب** است. مسلماً **مخاطبان گفتمان مهدویت و فرهنگ انتظار به گروه‌های مختلف سنی و علمی** تقسیم می‌شوند.

**نخست کودکان** هستند، که انتقال فرهنگ مهدویت و انتظار به آنها، تنها به روش عملی ممکن است. زیرا نمی‌توان برای تفهیم فرهنگ مهدویت به کودک، از استدلال کمک گرفت بنابراین **برای آشنا کردن کودکان با فرهنگ انتظار کفایت فضای منزل و مدرسه، به فضای انتظار و ارزشهای آن تبدیل شود.** نسل نو باید وضعیت ایده آلی را که در جامعه مهدوی تحقق خواهد یافت، بشناسد، تا بتواند جایگاه و وضعیت موجود را مورد نقد و بررسی قرار دهد. زیرا کسی که وضعیت ایده آل را نشناسد، کاستی‌های وضعیت موجود را نیز نخواهد شناخت و در این صورت، چه بسا ممکن است مانند آن باصطلاح اندیشمند امریکایی، وضعیت موجود را بهترین وضعیتی بداند که برای بشریت دست یافتنی است.